

راستای توسعه حقوق بین الملل تلقی گردد؟ اینها پرسشهای عمده‌ای است که این مقاله در صدد پاسخگویی به آنهاست. اندیشه تهیه کنندگان این نوشته آن است که موفقیت این اسناد تا حد زیادی مشروط به شرایط پیرامونی آنهاست و به نظر می‌رسد و نفعی تا کنون مثبت بوده و قرار دادهای مربوط به اصول مطروحه از ضمانتهای اجرایی خوبی برخوردارند و برخی از روندهای سیاسی و استراتژیک نیز می‌تواند آنها را بیش از پیش تقویت کند.

نوشته حاضر، کاوشی در خصوص برخی از مفاهیم بنیادین حقوق بین الملل است. اصل منع تجاوز کشورها به یکدیگر و اصول مربوط به مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورها می‌تواند هموارکننده راه برقراری صلح و ثبات بین المللی باشد. چگونه می‌توان ضمانتهای مناسبی برای تقویت این اصول به وجود آورد؟ آیا مصادیق روشنی از این ضمانتها وجود دارد؟ و آیا قرار دادهای منع تجاوز که بین کشورها منعقد می‌شود می‌تواند عاملی در

منع تجاوز، مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی در حقوق بین الملل معاصر

مقدمه

موفقیت اسناد منع تجاوز و حفظ وحدت سرزمینی تا حد زیادی منوط به محیط و شرایطی است که این گونه توافقنامه‌ها در بستر آنها شکل می‌گیرند. به طور کلی امروزه تعهدات منع تجاوز بین کشورها از ضمانتهای اجرایی خوبی در ساز و کارهای موجود در حقوق بین الملل برخوردار هستند و روندهای استراتژیک و سیاسی ویژه‌ای وجود دارد که می‌تواند به شکل مناسبی چنین تعهداتی را مؤثرتر نماید.

در قرار دادهای مهم بین المللی از جمله منشور ملل متحد و بسیاری از قوانین عرفی موجود در حقوق بین الملل، اقدامات تجاوز کارانه یک کشور بر ضد کشورهای دیگر تحریم شده است. این در حالی است که اصل مصونیت و وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورها از اصول بنیادین حقوق بین الملل محسوب می‌شود.

در کنار اسناد بین الملل تصریح شده در منشور ملل متحد، تا کنون کشورهای مختلف به طور دوجانبه و غالباً به شکل قرار دادهای منطقه‌ای، اسناد متقابلی را در خصوص ایجاد ضمانتهای متقابل برای عدم تجاوز و احترام به وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی خود امضا نموده‌اند.

در نوشته حاضر تلاش داریم پس از ارائه تصویری اجمالی از مهمترین اسناد بین المللی در این خصوص، به پرسشهای مهمی در این باره پاسخ دهیم: آیا تا کنون چه تلاشی‌هایی صورت گرفته تا اسناد تکمیلی و به خصوص در سطح منطقه‌ای اعتبار اسناد گذشته را تقویت کند؟ آیا قرار دادهای منع تجاوز که بین کشورها امضای شونده می‌تواند بهر شدت و تکامل حقوق بین الملل کمک کند؟ در حالی که بسیاری از اسناد امضا شده در گذشته از لحاظ سیاسی بی اعتبار از کار در آمده‌اند و نهایتاً نمی‌توانند مشکلات موجود بین کشورها را حل کنند، آیا تصمیماتی برای پشتیبانی از قرار دادهای منع تجاوز و وحدت سرزمینی کشورها وجود دارد؟

اندیشه نوشته حاضر این است که با توجه به نمونه‌های متفاوت در پنج دهه گذشته می‌توان گفت

روشهای تقویت ضمانتهای متقابل عدم

تجاوز در بین کشورها

مشهورترین قرار دادهای منع تجاوز (non-aggression pacts) در دوران معاصر شکل گرفته‌اند. برای نمونه، رایش آلمان در سال ۱۹۳۹ با اتحاد جماهیر شوروی، استونی، لاتفیا و دانمارک وارد چنین معاهداتی شد. معاهده منع تجاوز آلمان-شوروی در ۲۳ اوت ۱۹۳۹ به همراه الحاقیه سری آن، حوزه‌های منافع ملی دو کشور را در اروپای غربی تعریف می‌کرد و همین موضوع شرایط لازم را برای حمله آلمان به لهستان به وجود آورد، و بعد از آن در مدت کوتاهی جنگ جهانی دوم به شکل رسمی آغاز شد.

گذشته از این، عملاً آلمان و در توافقنامه منع تجاوزی شد که پس از امضای اعلامیه مشترک روابط مسالمت آمیز با لهستان در ۲۶ ژانویه ۱۹۳۴ شکل گرفت. این همان توافقنامه‌ای بود که بعد از اعلامیه یکجانبه انگلستان در خصوص استقلال لهستان، در ۲۸ آوریل ۱۹۳۹ توسط هیتلر ملغی گردید. در سال ۱۹۳۸، بریتانیای کبیر به همراه آلمان بیانیه مشترکی

نوشته دکتر رضا سیمبر و

سید محمد اسدی نژاد

اعضای هیئت علمی دانشگاه گیلان

را امضا نمودند که در آن متعهد می شدند هر گز به جنگ یکدیگر نروند و هر گونه اختلاف فیما بین را از طرق مسالمت آمیز حل و فصل نمایند.

معاهده منع تجاوز ۱۹۳۹ بین آلمان و شوروی بارزترین نمونه این رشته از معاهدات است که در ماده اول «طرفهای قرار داد متعهد می شدند از هر گونه اقدام خشونت آمیز، تجاوز گرانه یا حمله به یکدیگر، به تنهایی یا به همراه سایر کشورها، اجتناب ورزند». بر اساس این معاهده، هیچ یک از طرفهای قرار داد مجاز نبودند که کشورهای ثالثی که به اقدام تجاوز کارانه بر ضد دیگری دست می زد مستقیم یا غیر مستقیم کمک نماید. قرار بر این بود که اختلافات و منازعات صرفاً از طریق تبادل دو ستانه آراء و نظرات یا از راه داوری حل شود. قرار داد بعد از ۱۰ سال پایان می پذیرفت اما قابل تمدید بود. این معاهده از لحاظ شکلی و محتوایی بسیار شبیه معاهدات منع تجاوزی بود که آلمانها با دانمارک، استونی و لاتویا امضا کرده بودند.

جالب است که بدانیم بیانیه مشترک آلمان لهستان در سال ۱۹۳۴ اشاره بسیار روشنی به معاهده ۱۹۲۸ پاریس دارد. این معاهده در حقوق بین الملل به معاهده بریان کلوگ (Briand-Kellogg) معروف است و به امضای بسیاری از کشورهای بزرگ در جامعه جهانی رسیده است. معاهده تأکید می نماید که توسل به جنگ برای حل اختلافات و منازعات بین المللی محکوم است و نباید وسیله ای برای اجرای سیاستهای ملی تلقی شود. بنابر این قرار داد، لازم است همه اختلافات منحصر از طرق مسالمت آمیز حل شوند. این قرار داد در خارج از چارچوب جامعه ملل قرار داشت و بدین ترتیب پس از اضمحلال جامعه توانست به حیات خود ادامه دهد و مضامین آن در اسناد سازمان ملل متحد انعکاس یابد.

معاهده پاریس بر روی زمینه های موجود در میثاق جامعه ملل بنیان نهاده شده بود. البته میثاق اولین سندی بود که موفق شد موافقت کشورهای امانع اقدامات قهر آمیز جلب کند. جز مواردی که شرایط ویژه نامیده شده بود مانند دفاع شخصی، تحمیل صلح، یا شکست ساز و کار عملیات پاسداری از صلح جامعه سایر موارد ممنوع اعلام گردیده بود. شکافها و خلأهای موجود در معماری امنیتی جامعه ملل در خصوص استفاده از زور به طور مؤثری توسط معاهده ۱۹۲۸ پر شد. بعد از تصویب معاهده بریان-کلوگ، نظام حقوق بین الملل از نظامی که در آن

کشورها مجاز بودند جنگ با یکدیگر را انتخاب کنند. همان طوری که در موارد گوناگون تا سال ۱۹۱۴ عملی شده بود به نظامی تبدیل شد که در آن شروع جنگ تجاوز کارانه (Initiation of aggressive war) تحریم گردید. این موضوع در منشور دادگاه جنگی نورمبرگ و منشور سازمان ملل متحد نیز به طور مشخص انعکاس یافت.

بر اساس بند ۳ ماده ۲، بند ۴ ماده ۲ و ماده ۵۱ منشور ملل متحد به وضوح همه اعضای سازمان موظف شده اند تا اختلافات فیما بین را از طرق مسالمت آمیز حل نمایند و از انجام اقدامات قهر آمیز بویژه بر ضد یکبار چگی سرزمینی و استقلال سیاسی یکدیگر اجتناب ورزند. برخلاف میثاق جامعه ملل و معاهده ۱۹۲۸ پاریس، منشور سازمان ملل متحد به وضوح حق ذاتی کشورهای ابرای دفاع از خود به رسمیت شناخته است. استفاده از زور و قوای قهر به در قطعنامه شماره ۶۷۸ شورای امنیت سازمان مصوب ۲۹ نوامبر ۱۹۹۰ بر اساس فصل هفتم منشور مشروع شناخته شده و از اعضای سازمان خواسته شده است که از همه ابزارهای موجود و لازم استفاده کنند تا عقب نشینی عراق از کویت را متحقق، و بدین ترتیب صلح و امنیت را در دنیا برقرار سازند.

محدودیتهای استفاده از زور و قوای قهر به مجدداً در بیانیه اصول حقوق بین الملل در باره روابط دو ستانه و همکاری بین المللی بر اساس منشور ملل متحد و قطعنامه شماره ۲۵/۲۹۲۵ مجمع عمومی سازمان ملل مورد تصدیق قرار گرفت. این بیانیه که بارای موافق همه اعضای تصویب سید امری بسیار فوق العاده در حقوق بین الملل تلقی می گردد و تصور بر این است که نیات روشنی در خصوص الزام آور بودن آن وجود دارد.

سازمان ملل متحد اقدامات دیگری هم برای روشن نمودن استانداردهای قانونی بین المللی در این باره انجام داده است. برای نمونه، می توان از تلاش چند ساله ای که برای ارائه تعریف مشخص و مقبولی از تجاوز انجام شد و نهایتاً در ۱۴ دسامبر ۱۹۷۴ به وسیله قطعنامه شماره ۳۹/۳۳۱۴ مجمع عمومی مورد تصویب قرار گرفت یاد کرد. در سال ۱۹۸۷ مجمع عمومی بیانیه پیشبر دو مؤثر نمودن اصول بازاری استفاده از زور و تهدید در روابط بین الملل را مورد تصویب قرار داد (قطعنامه شماره ۴۲/۲۲ مجمع عمومی سازمان ملل متحد). از اصولی که در این بیانیه

○ در قرار دادهای مهم بین المللی از جمله منشور ملل متحد و بسیاری از قوانین عرفی موجود در حقوق بین الملل، اقدامات تجاوز کارانه کشورهای بر ضد یکدیگر تحریم شده است.

آمده و منعکس کننده ده سال تلاش ارگانهای وابسته به سازمان ملل متحد است می توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱- اصل خودداری از زور و تهدید در روابط بین الملل دارای ماهیت جهانی و الزام آور است و ربطی به نظام سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و اتحاد کشورهای مختلف ندارد.

۲- استفاده از زور و قوای قهریه تخطی آشکار از منشور ملل متحد است.

با این مقدمه ممکن است این پرسش به ذهن خطور نماید که هدف از تعهد به منع تجاوز بین کشورها چیست و چه مطلبی را به حقوق بین الملل اضافه می کند؟ از لحاظ قانونی، روشن است که منشور ملل متحد و سایر قوانین فعلی موجود در عرف بین الملل، در حال حاضر و از قبل اعمال تجاوز کارانه یک کشور بر ضد کشور دیگر را تحریم کرده می کنند. بنابراین آیا اشتباه نیست که کشورها در دنیای امروز به عقد قرارداد های منع تجاوز تشویق شوند؟ ضمناً اصل مهم در تفسیر قانونی این است که، معاهدات نمی توانند شامل اصول بی معنا و حشو باشند. پس می توان نتیجه گرفت که صرف مذاکره در باره معاهده منع تجاوز نشان دهنده این است که کشورهای درگیر این گونه معاهدات تلویحاً به خود و به سایر کشورهای درگیر می گویند که به معاهداتی که تا کنون در این خصوص وجود داشته اعتقاد ندارند؛ و اگر چنین مذاکراتی در سطح گسترده تری صورت پذیرد ممکن است کشورها به این نتیجه برسانند که تحریم بین المللی در مقابل تجاوز دیگر کارایی ندارد و این امر به نوبه خود می تواند باعث تضعیف، بی ثباتی و بی اعتباری بنیان قانون های بین المللی گردد که سازمان ملل متحد بر آنها استوار شده و بر اساس آنها در صدد حفظ صلح و امنیت بین المللی است.

از سوی دیگر، می توان گفت از دیدگاه سیاسی چنین اقداماتی بی ارزشند. یقیناً امروزه به خوبی می توان دریافت که معاهدات عدم تجاوزی که در خلال دهه ۱۹۳۰ به امضای آلمان رسیدند تنها صلح را به ارمان نیآور دلبکه هر چه بیشتر به جنگ منتهی شد. در ضمن آنها جزء لاینفک روند تجاوز جنایتکارانه آلمان محسوب می شوند. البته این نیز صحیح نیست که ادعا کنیم تمامی چنین قراردادهایی به طور خود کار به جنگ و منازعه منجر خواهند شد. پس می توان پرسید که چه زمانی قرار داد عدم

تجاوز و افعادارای ارزش است. جواب این است که اگر پذیرش چنین معاهداتی باعث تقویت و استحکام روابط بین طرفهای قرار داد شود و در محیط سیاسی و استراتژیکی مناسبی قرار گیرد می توان آنها را مثر ثمر خواند.

یک نمونه از نگرشهای مثبت در خصوص معاهدات عدم تجاوز، موافقتنامه هند و پاکستان است. در این توافق که در ۳۱ دسامبر ۱۹۸۸ امضا شد، متعاهدین خود را ملزم کردند که به تجهیزات اتمی یکدیگر حمله نکنند. در عین حال قرار شد مذاکرات در خصوص قرار داد عمومی عدم تجاوز به تدریج ادامه یابد و زمانی که شرایط مناسب مهیا شد به امضای طرفین برسد. این استراتژی قدم به قدم، دارای اهداف محدودی بود. در عین حال، دو کشور احساس می کردند که چنین راه حل محدودی می تواند دوباره جنگ را امکان پذیر سازد و عملاً نمونه این بر خوردها در سال ۱۹۹۸ میلادی میان دو کشور رخ داد.

نمونه جالب تر تضمینات عدم تجاوز، در بیانیه ۶ ژوئیه ۱۹۹۰ در خصوص شرایط و به تغییر اتحاد آتلانتیک شمالی (ناتو) آمده بود. نکته ۵ این سند که به امضای سران دولتهای شرکت کننده در این نشست رسید مقرر می داشت:

«ما یک اتحاد دفاعی خواهیم ماند و کماکان از تمامیت ارضی اعضای خود دفاع خواهیم نمود. ما دارای نیات تجاوز کارانه نیستیم و خود را متعهد می بینیم تا اختلافات فیما بین را از طریق مذاکرات مسالمت آمیز حل کنیم. ماهر گز و تحت هیچ شرایطی در استفاده از زور پیشدستی نخواهیم کرد.»

در آن زمان اعضای سازمان پیمان ورشو بیانیه مشابهی صادر نکردند اما ناتو تلاش می کرد تا راه را برای ایجاد تفاهم در اروپا هموار سازد. ولی شاید اهمیت بیشتر بیانیه لندن در این بود که در شرایط انتقالی اوضاع اروپا مطرح گردید و راه ابرای مذاکره در خصوص کاهش تسلیحات هموار نمود تا نهایتاً قرار داد کاهش تسلیحات متعارف در اروپا در شهر پاریس و در تاریخ ۱۹ نوامبر ۱۹۹۰ امضا شود. در واقع شکل گیری اتحاد های جدید در اروپای شرقی بود که صدور بیانیه لندن و هم قرار داد کاهش تسلیحات را ممکن ساخت. در چنین محیط جدیدی در اروپا که به شکل گیری شرایط استراتژیکی تازه ای منتهی شد می توان به سند ۱۹۹۰ وین اشاره کرد که از سوی اعضای کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که اکنون

○ میثاق جامعه ملل
نخستین سندی بود که
موفق شد موافقت کشورها
را با منع اقدامات قهرآمیز
بر ضد یکدیگر جلب کند.

اقدامات دیگر ثبات و شفافیت اوضاع را به ارمان آورند. برای نمونه، می‌توان به‌پاگرفتن روند کاهش تسلیحات و کاهش تعداد پرسنل نظامی و ایجاد روندهای نظارت بر تداوم صلح اشاره نمود.

اصول مربوط به مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی

اصل مصونیت و یکپارچگی قلمرو حکومتی، از اصول بنیادین حقوق بین‌الملل است. هر چند این اصل، اصلی نسبتاً جدید در حقوق بین‌الملل است که نهایتاً در سال ۱۹۴۵ به شکل مستحکمی در منشور سازمان ملل متحد تثبیت شد اما روند توسعه محتوای آن ادامه دارد و عناصر مختلف این اصل به اشکال مختلف در حقوق بین‌الملل گنجانده شده است.

منشور ملل متحد استفاده از زور بر ضد وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورها و هر اقدام دیگری را که با اهداف سازمان ملل متحد در تضاد باشد تحریم کرده است (بند ۴ ماده ۲). قابل ذکر است که میثاق جامعه ملل حاوی چنین تحریم گسترده‌ای نبود. و انگهی، منشور ملل متحد کماکان توافقنامه‌ای بین المللی محسوب می‌شود که اکثریت قریب به اتفاق جامعه جهانی عضو آن هستند و در نتیجه، اصل وحدت سرزمینی که در منشور ملل متحد آمده است، اصلی عمومی و مقبول برای همه کشورهای عضو است. این اصل تأثیر زیادی بر سایر اصول مندرج در حقوق بین‌الملل گذاشته است.

بیانیه اصول حقوق بین‌الملل در خصوص روابط دوستانه و همکاری در بین کشورها مبتنی بر منشور ملل متحد صادر شده در سال ۱۹۷۰ منعکس کننده نکاتی از این اصل است. اگر چه در این بیانیه نامی از این اصل به میان نیامده است اما همه تمهیدات مربوط به مصونیت و وحدت سرزمینی کشورها در اصل اول بیانیه، به صورت عین عبارات مطرح شده در بند ۴ ماده ۲ منشور ملل متحد آمده است و بدین ترتیب اصول مربوط به منع تهدید و استفاده از زور و اصل یکپارچگی سرزمینی کشورها را با یکدیگر ادغام می‌کند.

ضمناً در آخرین ماده سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا (۱۹۷۵) بر «اصل وحدت سرزمینی کشورها» تأکید شده و این اصل مقدمه‌ای برای تحقق اصل مصونیت و یکپارچگی سرزمینها تلقی گردیده است. ماده ۴ بیانیه اصول سند نهایی می‌گوید:

سازمان امنیت و همکاری در اروپا نامیده می‌شود صادر شد. در این سند کشورهای امضاکننده متعهد شدند به طور مؤثر و ملموس تلاش‌های خود را در جهت ایجاد محیطی امن و در سایه کاهش تسلیحات بسیج نمایند، تا بدین ترتیب جو اعتماد متقابل بین کشورهای اروپایی تقویت شود. «کشورهای متعهد می‌شدند از زور و قهر برای رسیدن به اهدافشان استفاده نکنند». این بیانیه به امضای ۳۴ کشور شامل اعضای پیمان ورشو و ناتو رسید و در عین حال ۱۲ کشور دیگر اروپایی هم که برخی بیطرف بودند آن را امضا کردند.

در چنین موقعیتی این پرسش به میان می‌آید که چه تضمینات دیگری برای قرار دادهای منع تجاوز بین کشورها وجود دارد؟ روشن است که منشور ملل متحد ضمانت اجرای مناسبی در این زمینه است و شرایط حاکم پس از پایان جنگ سرد می‌تواند تسهیل کننده این امر گردد. تعهد جامعه جهانی نسبت به اجرای فصل هفتم منشور همان طور که در قضیه تجاوز عراق به کویت نمود یافت به منشور سازمان اعتبار هر چه بیشتری می‌بخشد و می‌تواند باعث تحکیم مبانی موجود در حقوق بین‌الملل گردد.

به هر حال، باید گفت که امروز معاهدات منع تجاوز بین کشورها از ضمانت‌های اجرایی مناسبی برخوردار است. کشورهای توانمند با تکیه بر تمهیدات موجود در منشور ملل متحد و هم‌بادست‌مایه قرار دادن توافقات منطقه‌ای و دو جانبه تعهدات فیما بین راستحکام بخشند. این ضمانت‌ها تعهد سازمان ملل متحد به حفظ صلح و امنیت بین‌المللی بر رنگتر می‌سازد. سازوکارهای پیش‌بینی شده در سازمان ملل متحد، که برای برقراری حاکمیت قانون در امور بین‌المللی بسیار حائز اهمیت است، می‌تواند با ایجاد تعهدات عدم تجاوز در سطوح دو جانبه و منطقه‌ای تکمیل شود. اگر چه از لحاظ قانونی این تعهدات نمی‌تواند به‌هنگار فراگیر حقوق بین‌الملل که از قبل، استفاده از زور در روابط بین‌الملل را تحریم کرده است چیزی بیفزاید با این حال می‌تواند این نقش مفید داشته باشد که مفاد مورد علاقه کشورهای متعاهد را به طور ویژه و روشن‌تری مورد تأکید قرار دهد. اگر معاهدات عدم تجاوز در محیط سیاسی و استراتژیک مناسبی شکل گیرند هر چه بیشتر احتمال وقوع خصومت‌ها را کاهش خواهند داد. این در حالی است که معاهدات عدم تجاوز می‌تواند همراه سایر

○ معاهده پاریس معروف
به معاهده بریان - کلوگ
ضمن محکوم ساختن
توسل به جنگ برای حل
اختلافات بین‌المللی و
لزوم حل مسالمت‌آمیز
همه اختلافات، تصریح
می‌کرد که نباید جنگ را
وسیله‌ای برای اجرای
سیاست‌های ملی قلمداد
کرد.

«کشورهای عضو به وحدت سرزمینی یکدیگر

می‌دارد که: «کشورهای امضاکننده سند، مرزهای یکدیگر و مرزهای همه کشورهای اروپایی را مصون می‌دانند و بنابراین هم در زمان فعلی و هم در آینده از تعرض به این مرزها خودداری خواهند کرد.»

بنابراین از هر تقاضای عملی هم که باعث الحاق قسمتی یا همه قلمرو کشور دیگری شود جلوگیری خواهند کرد.»

نحوه بیان اصول مربوط به مصونیت مرزها اجازه می‌دهد تا تفسیر گسترده‌ای از آن ارائه گردد. اما اصول محتوایی آن به سه مورد اساسی محدود می‌شود:

(۱) به رسمیت شناختن مرزهای فعلی که بر اساس قوانین حقوق بین‌الملل شکل گرفته باشند.

(۲) الغای همه ادعاهای سرزمینی در حال و آینده.

(۳) خودداری از هر عملی بر ضد حدود مرزی دیگران یا تخطی از وضعیت موجود آن، از جمله استفاده از تهدید و زور.

اصول بیان شده در خصوص مصونیت مرزها آن را از اصول مربوط به وحدت سرزمینی و اصل سنتی مربوط به مصونیت مرزی کشورها متمایز می‌کند و آن را پایه‌ای برای شکل گرفتن اصول اروپایی مصونیت مرزها قرار می‌دهد که خود می‌تواند اصل جدیدی در حقوق بین‌الملل تلقی گردد. البته روشن است که اصل جدید مصونیت مرزها تنها برای امضاکنندگان سند نهایی هلسینکی الزام آور است. تعمیم این اصل در مورد سایر کشورهای نیازمند استفاده از ابزارهای دیگر حقوق بین‌الملل از جمله عقد قرار دادهای دوجانبه و چندجانبه است. در واقع در مقام عمل، اختلافات مرزی مختلفی وجود دارند. در برخی از موارد خطوط مرزی یا تعیین نشده اند یا به طور نادرستی شکل گرفته‌اند. تمامی این مشکلات ضرورت گسترش این اصول را مورد تأکید قرار می‌دهد.

اصول سنتی مربوط به مصونیت مرزی کشورها اصلی عمومی از حقوق بین‌الملل است که کشورها را متعهد می‌کند تا به شکل یکجانبه خطوط مرزی را تغییر ندهند و همچنین بدون اجازه کشور مقابل از مرزها عبور نمایند. این مورد آخر به حق حاکمیت کشورها یعنی حق کنترل عبور افراد و وسایل نقلیه از مرزها مربوط است.

عبور از مرز کشورها باید بر اساس قوانین و قواعد همان کشوری که قرار است افراد و وسایل نقلیه از آن

احترام می‌گذارد. بنابراین، از انجام هر عملی که منافای با اهداف و اصول مندرج در منشور ملل متحد در خصوص وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی کشورهای عضو باشد بویژه اقداماتی که در آن زور و قوای قهریه استفاده شود خودداری خواهند ورزید.»

این قسمت از ماده ۴ گسترده‌تر از عبارات موجود در منشور ملل متحد است چرا که تأکید عمده‌ای بر منع هرگونه اقدام بر ضد وحدت سرزمینی کشورها دارد، در حالی که منشور ملل متحد تنها از منع استفاده از زور یا تهدید استفاده از زور صحبت می‌کند. می‌توان نتیجه گرفت که عبارات موجود در ماده ۴ متضمن فهرست گسترده‌تری از اعمال تحریم شده نسبت به استفاده یا تهدید به زور است. وانگهی ماده ۴ مستقیماً به غیر قابل تقسیم بودن کشورهای امضاکننده اشاره دارد.

همه این موارد سه نکته مهم بین‌الملل را یکدیگر ادغام نموده و توسعه می‌بخشد: منع تجاوز نظامی به خاک کشور بیگانه، منع الحاق سرزمین دیگر کشورها به وسیله تهدید یا زور، و منع اشغال نظامی خاک کشور بیگانه مگر در مواردی که دقیقاً تعریف شده باشد.

از دیدگاه قانونی، عناصر مختلف مصونیت و وحدت سرزمینی کشورها دارای اعتبار قانونی مختلفی است که برخی از آنها در قرار دادها آمده و برخی دیگر در قطعنامه‌ها صادر شده است. در حالی که منشور ملل متحد بر ای‌همه کشورهای الزام آور است سند نهایی ۱۹۷۵ تنها برای کشورهای امضاکننده الزام آور می‌باشد. این خود باعث می‌شود که کشورهای بیشتری برای امضای این سند تشویق شوند.

مصونیت مرزهای کشوری از اصول جدید حقوق بین‌الملل و یکی از مهم‌ترین بنیانهای تضمین امنیت اروپاست. اندیشه تثبیت مرزهای کشورهای اروپایی در اواخر دهه ۱۹۵۰ به شکل پررنگی مطرح شد. دلیل این امر آن بود که پس از توافق پتسدام (Potsdam Agreement) نیروهای در صدد تغییر مجدد مرزها در اروپای بعد از جنگ بودند. توافق در مورد ایجاد مصونیت مرزی به طور قانونی در سال ۱۹۷۰ با قرار داد بین اتحاد جماهیر شوروی و آلمان غربی شکل گرفت.

سند نهایی کنفرانس امنیت و همکاری در اروپا که کشورهای زیادی آن را امضا نمودند به طور رسمی اصول مصونیت مرزهای کشوری در قاره اروپا را بیان می‌دارد. ماده ۳ بیانیه مربوط به اصول این سند مقرر

○ با تصویب معاهده پاریس، نظام حقوق بین‌الملل از نظامی که در آن کشورها مجاز بودند جنگ با یکدیگر را انتخاب کنند به نظامی تبدیل شد که در آن شروع جنگ تجاوز کارانه ممنوع بود.

روندی باعث استحکام صلح و امنیت بین‌المللی در آینده شود.

اصل سنتی مصونیت مرزی و وحدت سرزمینی و استقلال سیاسی را اکثریت قریب به اتفاق کشورهای به رسمیت شناخته‌اند. اما عوامل محتوایی و قانونی این اصول از موردی به مورد دیگر متفاوت است. در تجزیه و تحلیل نهایی می‌توان گفت که در واقع این اصول تا حد زیادی مبتنی بر قوانین عرفی بین‌المللی هستند و رسماً چندان در قرار دادهای چندجانبه بین‌المللی جای نگرفته‌اند. این عدم اطمینان به‌طور متناوب به انحراف و گاهی اوقات به تخطی مستقیم از این اصول منتهی می‌شود که می‌توان همه این موارد را با قانونمند نمودن هر چه روشن‌تر محتوای موجود در این اصول بر طرف نمود که بهترین راهکار برای آن نیز به وجود آوردن اسناد معتبر جهانی در این زمینه است.

منابع

1. Stephan, P.B. and Klimenko M. (ed.) **International Law and International Security: Military and Political Dimensions**. M.E. Sharpe, 1991, pp. 295-317.
2. Mullerson, R. **International Law, Rights and Politics**, Routledge, 1994, pp. 137-157.
3. Henkin, Louis and Pugh, Richard Crawford. **International Law: Cases and Materials**, Third Edition, West Publishing Co., St. Paul, Minn, 1993.
4. Charney, Jonathan I. "Universal International Law", **American Journal of International Law**, Vol. 87 (October 1993), pp. 529-551.
5. Schachter, Oscar, and Joyner, Christopher C. (eds.) **United Nations Legal Order**, Cambridge: Cambridge University Press, 1994.
6. D'Amato, Anthony A. **The Concept of Custom in International Law**, Ithaca, N.Y.: Cornell University Press, 1971.
7. Janis, Mark W. **An Introduction to International Law**, 2nd ed., Boston: Little, Brown and Co., 1993.
8. Arend, Anthony C. and Beck, Robert J. **International Law and the use of Force**, New York. Routledge, 1996.
9. Ferencz, Benjamin. **Defining International Aggression. The Search for World Peace**, 2 Vols., Dobbs Ferry, N.Y.: Oceana, 1975.
10. Slaughter Burley, Anne - Marrie "International Law and International Relations: A Dual Agenda", **American Journal of International Law**, Vol. 87, April 1993 pp. 205-239.

عبور کنند، صورت پذیرد. هر کشور حاکمی دارای یک سلسله‌روندهای قانونی خاص برای ورود و خروج خار جیان به‌واز خاک خود است. معمول‌ترین شکل اجرای این قواعد، قوانینی است که افراد را ملزم می‌سازد تا برای ورود به کشورهای یا عبور از آنها و ادید اخذ نمایند. اتومبیل‌های خار جی نیز برای ورود و عبور از خاک کشورهای ملزم به رعایت قوانین مشابهی هستند. در مورد ارتباطات حمل و نقلی مداوم بین کشورهای هاسعی می‌شود که از قواعد موجود در قرار دادهای بین‌المللی متابعت شود. در این حوزه عرف‌های شناخته‌شده بین‌المللی نیز ملحوظ می‌شوند. اما اجرای عرف‌های نیازمند رضایت دولتهاست. ممکن است کشورها در خصوص ویزای ورود، خروج یا ترانزیت با ایجاد توافقات مشترک روندهای موجود فیما بین را تسهیل نمایند یا حتی به رفع موانع قانونی اقدام کنند. همچنین کشورها ممکن است به بازرسی افراد و اشیاء در حدود مرزی خود بپردازند که معمولاً شامل بازرسی سلامتی افراد و اشیاء مانند گیاهان و محصولات کشاورزی می‌شود. بازرسی‌های گمرکی و سایر موارد نیز در این محدوده قرار می‌گیرند.

حجم نقل و انتقال افراد و وسایل نقلیه بین کشورها در دهه‌های اخیر به‌طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. دلیل این امر، افزایش روابط فردی، گسترش جهانگردی و صنعت توریسم، امور تجاری، اقتصادی و ورزشی، افزایش روابط فرهنگی، آموزشی و فن آوری و مسائل مربوط به محیط زیست است. روند فزاینده گسترش ارتباطات و رفت و آمدها باعث شده تا مسئله مصونیت مرزی کشورهای هر چه بیشتر مورد عنایت قرار گیرد و در عین حال سختگیرانه‌های گذشته در خصوص قوانین مربوط به رفت و آمدهای متقابل گمرنگ شود.

نتیجه‌گیری

معاهدات عدم تجاوز در دوران جدید بین‌المللی حائز اهمیت بسیار زیادی هستند. روش‌های مختلفی برای پررنگ ساختن این گونه تعهدات شکل گرفته است و روندهای استراتژیک و سیاسی ویژه‌ای وجود دارد که می‌تواند به‌طور مناسبی چنین تعهداتی را در خود جذب و هر چه بیشتر آنها را مؤثر نماید. می‌توان ادعا نمود که امروزه دوران نوزایش و مطرح شدن دوباره این معاهدات است و باید امیدوار بود که چنین

○ بر اساس منشور ملل متحد، همه اعضای سازمان موظفند اختلافات بین‌المللی خود را از طرق مسالمت‌آمیز حل کنند و از انجام اقدامات قهرآمیز بویژه برضد یکپارچگی سرزمینی و استقلال سیاسی هم اجتناب ورزند.